

قانون کپی راییت در هنرهای تجسمی ایران

سخنرانی صنم حقیقی در نشست نگارخانه داران

بحث امروز در مورد کپی راییت در هنر است که آن را در سه بخش پیش خواهیم برد:

۱- اول قانون کپی راییت در ایران را به صورت اجمالی شرح خواهیم داد.

۲- دوم، دو پرونده جذاب کپی راییت در ایران را مثال خواهیم زد.

۳- و در آخر، نکاتی که برای گالری دارها اهمیت دارد را بازگو خواهیم کرد.

بحث امروز من در واقع مقدمه‌ای کوتاه و اجمالی است، کلیاتی را عرض خواهیم کرد و در صورت لزوم وارد جزئیات خواهیم شد.

بخش نخست: قانون کپی راییت در ایران

چند نکته مهم در مورد کپی راییت وجود دارد که پیش از آغاز بحث بدان‌ها اشاره خواهیم کرد. یکی آنکه، در این مدتی که من به تحقیق در مورد کپی راییت پرداخته‌ام، بحثی که بیش از همه در محافل هنری مطرح می‌شود این است که «ما قانون کپی راییت نداریم». باید گفت که قانون کپی راییت در ایران وضع شده است که در ادامه به نقاط قوت و ضعف این قانون می‌پردازیم.

قانون کپی راییت در سال ۱۳۴۸ در ایران تصویب شد و یک بند آن در سال ۱۳۸۹ اصلاح شد. طرح جامعی به مجلس برای اصلاح قانون کپی راییت ارائه شده، که بررسی و تصویب نشده است. قانون موجود، گرچه بسیار کلی است، ولی قابل ارجاع است. کلی بودن یک قانون خوبی‌ها و بدی‌هایی دارد. خوبی‌اش در آن است که دست حقوق‌دان را در بررسی مسائل باز می‌گذارد و بدی‌اش آن است که پاسخی برای بسیاری از سؤالات شما ندارد. باید اشاره کرد که این مشکل در سایر کشورها که قانون کپی راییت سختگیرانه‌ای دارند نیز وجود دارد. چون مقوله‌ی کپی راییت موضوعی است که با پیشرفت هنر تکامل و بهبود می‌یابد. بنابراین، هیچ پاسخی قطعی برای سؤالات شما در رابطه با قانون کپی راییت وجود ندارد.

قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان که در سال ۱۳۴۸ تصویب شد، به صورت اجمالی حقوق یک هنرمند را توضیح می‌دهد. این قانون می‌گوید که «حق یک هنرمند و یا پدیدآورنده اثر این است که توانایی نشر، پخش، عرضه، اجرا و بهره‌برداری مادی و معنوی از اثر خود را داشته باشد». این قانون، نقاشی، خط، طرح، نقش، عکس، اثر تزئینی، اثر تجسمی، مجسمه، هنرهای دستی و صنعتی را شامل هنر معرفی می‌کند و این سؤال را که هنر چیست را نیز پیش می‌کشد. موضوع مهم دیگری که در این قانون پیش بینی شده، محدودیت زمانی استفاده از این قانون برای هنرمند است؛ پیش‌تر، تا سی سال پس از مرگ هنرمند این حق وجود داشت که اینک به پنجاه سال افزایش داشته است. نکته مهم در مورد این قانون مکان خلق اثر هنری است، به عبارتی، در صورتی این قانون شامل حال هنرمند می‌شود که اثر وی در ایران خلق شده باشد. یعنی اگر یک هنرمند ایرانی در لندن به خلق اثری بپردازد و از اثر وی در ایران کپی شود، این قانون شامل حال هنرمند نمی‌شود. در هر حال، این قانون گرچه موجز است، اما وجود دارد.

بخش دوم: برخی پرونده‌های قضایی در خصوص کپی‌رایت در ایران و جهان

پرونده‌های زیادی در رابطه با حق کپی‌رایت در ایران تشکیل شده است، اما دو پرونده یکی از منظر هنری و دیگری از دید یک گالری‌دار به ویژه جذاب است، که در ادامه به آن‌ها می‌پردازم (برای احترام به حریم شخصی به نام افراد دخیل اشاره نخواهد شد).

پرونده اول در رابطه با زن هنرمندی است که هم در ایران و در سطح جهان شناخته شده است. در اینجا، شیوهی خلق هنر توسط این هنرمند اهمیت دارد. این نقاش، صحنه‌پردازی‌هایی را انجام می‌دهد و با دعوت از یک عکاس از صحنه‌ها عکاسی می‌کند تا بعدها بتواند با رجوع به عکس‌ها به خلق و تکمیل اثر بپردازد. بعد از سال‌ها نمایش و کسب اعتبار جهانی، این هنرمند متوجه وجود عکاسی می‌گردد که با استفاده از ایده و خلاقیت وی در نمایشگاه‌ها و مسابقات جهانی شرکت کرده است. گرچه، پروسه‌ای که این عکاس طی می‌کند، برعکس است؛ یعنی عکاس از روی تابلوهای این نقاش، همان صحنه‌ها را می‌سازد و به عکاسی از سوژه‌ها می‌پردازد. زن هنرمند پس از آگاهی از موضوع، دست به شکایت می‌زند. عکاس دوم با زیرکی ادعا می‌کند که شاکی

پرونده در واقع باید عکاس اول باشد، به این علت که شکایت وارد شده را تنها در صورت یکسان بودن مدیوم خلق آثارشان وارد می‌داند. عکاس اولی با اعلام اینکه در فرایند تولید اثر دخالتی نداشته، از پرونده کنار می‌رود. در ادامه، دادگاه، بررسی جالبی انجام می‌دهد: بازپرس و بعد قاضی ایرانی پرونده عکس و نقاشی را کنار هم قرار داد و شباهت‌های زیادی یافت. دفاعیات عکاس نیز کافی نبود، چون عناصری عین‌به‌عین در عکس‌ها کپی شده بود. بعد از سپری شدن جلسات پیاپی، رأی بدوی به نفع نقاش صادر شد، و عکاس به ۹ ماه حبس و ۵ میلیون جریمه نقدی محکوم شد، گرچه پس از دادگاه تجدیدنظر حبس وی به سه ماه تقلیل یافت. این پرونده نشان می‌دهد که قانون کپی رایبیت فرارسانه‌ای عمل می‌کند، درحالی که از لحاظ حقوقی مسیری ساده را طی کرد.

پرونده دوم، در رابطه با یک نمایشگاه مجسمه‌سازی در یک گالری معتبر در تهران است. یک روز بعد از افتتاح نمایشگاه مجسمه‌سازی، شخص دیگری عکسی از کار خود و کاری که در نمایشگاه عرضه شده بود در فضای مجازی منتشر کرد و از کپی بودن سه کار خبر داد. گالری، نمایشگاه را فردای افتتاحیه لغو کرد؛ دلایل مختلفی پشت لغو این نمایشگاه وجود داشت، اما گالری‌دار دلیل اصلی را کپی بودن سه کار ارائه شده اعلام کرد. هنرمندی که نمایشگاهش لغو شده بود، از گالری‌دار و هنرمندی که به نشر تصاویر در فضا مجازی پرداخته بود، شکایت کرد. در این میان، انجمن هنرمندان مجسمه‌ساز ایران با مطلع شدن از این موضوع، به این دعوا ورود کرد و از دو مجسمه‌ساز خواست تا در جلسه‌ای به حل و فصل این مسئله بپردازند، گرچه جلسات و نامه‌نگاری‌ها نتیجه‌ای نداد.

هر دو مجسمه‌ساز به معاونت هنری وزارت ارشاد مراجعه کردند، ولی این معاونت از ورود به این دعوا خودداری کرد. مجسمه‌ساز شاک، از یک شخص که خود را کارشناس انجمن مجسمه‌سازان ایران معرفی می‌کرد، برگه‌ای بدون سربرگ مبنی بر اینکه این کارها کپی نیست تهیه دید و آن را به بازپرس پرونده ارائه داد، که به‌عنوان سند پذیرفته شد. مجسمه‌سازی که ادعا می‌کرد از کارهایش کپی شده، به انجمن مجسمه‌سازان مراجعه کرد. انجمن نیز با ارسال نامه‌ای به دادگاه از جعلی بودن این برگه خبر داد، گرچه این نامه توسط دادگاه پذیرفته نشد. نظر کارشناس که دلیل شباهت کارها را حق استفاده هنرمندان از یک عنصر مشابه ذکر کرده بود، مورد تأیید

دادگاه قرار گرفت. مجسمه‌ساز و گالری‌دار در دادگاه بدوی به حبس و جریمه نقدی متهم شدند، که در دادگاه تجدیدنظر حکم حبس به دو سال حبس تعلیقی تقلیل یافت.

این پرونده به‌ویژه برای گالری‌داران اهمیت دارد، چون انتظار می‌رود که گالری‌دار از کپی بودن آثار پیش از شروع نمایش آگاه باشد. اما گالری‌دار در این مواقع می‌تواند با انعقاد قرارداد با هنرمند خود را از شکایت شخص ثالث مصون نگه دارد.

یک نمونه جهانی در رابطه با این پرونده، موز معروف مائوریتزیو کتلان است که در آرت‌بازل ارائه شد. مدتی پیش، یک هنرمند آمریکایی ادعا کرد که این اثر ابتدا توسط وی خلق شده است، که رأی به نفع کتلان تمام شد، زیرا از نظر قاضی زاویه قرارگیری موزها با هم فرق داشت و یکی از یک موز طبیعی و دیگری از یک موز مصنوعی استفاده کرده بود!

نکته مهم در خصوص این نوع پرونده‌ها این است که آثار هنرمند شاکی می‌بایست عرضه عمومی شده باشد. این موضوع توسط قضاوت داخلی و خارجی همواره مورد تأکید است که آیا آثار هنرمند در جایی به نمایش درآمده است یا خیر؟ در خصوص پرونده کتلان، قاضی به این نتیجه رسید که در نهایت ۲۰۰۰ نفر اثر هنرمند آمریکایی را دیده‌اند و کار کتلان به احتمال خیلی زیاد زاییده خلاقیت خود اوست. در مورد نمونه داخلی، اما، کار هر دو مجسمه‌سازها در یک گالری به نمایش درآمده بود.

برای پیشبرد بحث، به چند نمونه کوتاه دیگر نیز اشاره خواهم کرد. چند سال پیش، در گالری دستان نمایشی از چاپ‌های بیژن صفاری برگزار شد که پیش از نمایش بر روی آن‌ها مداخلاتی توسط هنرمندانی جوان اجرا شده بود. نتیجه کار فوق‌العاده شد، گرچه سؤالی که پیش می‌آمد آن بود که آیا هنرمند خالق اثر اجازه این کار را داده بوده است؟ چون از نظر قانونی این کار نوعی تحریف و غیرقانونی است، گرچه باید اشاره داشت که اجازه این کار از مؤلف اثر گرفته شده بود.

نمونه‌ی دیگر، یک گالری‌دار ایرانی است که چیدمانی از یک هنرمند بلژیکی در ایران ارائه داد. این پروژه که تحت نظارت هنرمند بلژیکی در حال اجرا بود، مجری‌ای ایرانی داشت. در پایان کار، مجری ادعا کرد که این اثر کاری مشترک بوده است و می‌بایست نام او نیز در کنار هنرمند بلژیکی قرار گیرد. این یک موضوع جدی است و جای بحث دارد. باید

اشاره کرد که اجرا کننده کار اگر در طی اجرا ایده و خلاقیتی خرج نکرده باشد، یعنی صرفاً مجری باشد، حق ادعا مالکیت ندارد.

بخش سوم: نکاتی که گالری داران باید در خصوص حق کپی‌رایت بدانند

در مثال‌های مطرح شده بعضاً دیده شد که گالری‌دار نیز وارد دعوی حقوقی در رابطه با کپی‌رایت می‌شود. در این بخش به این موضوع می‌پردازیم که چه مسائل حقوقی در رابطه با کپی‌رایت متوجه گالری‌داران است:

- زمانی که یک گالری‌دار در مقام ایده‌دهنده و سفارش‌دهنده کارهای یک نمایشگاه ظاهر می‌شود، بر طبق قانون ایران حق کپی‌رایت دارد. به عبارت دیگر، در اینجا، حقوق مادی با سفارش‌دهنده است، یعنی حق فروش و بهره‌برداری از اثر به سفارش‌دهنده تعلق دارد.
- در صورتی که هنرمند ایده‌پرداز و خالق اثر باشد، حقوق مادی و معنوی متعلق به هنرمند است، یعنی حق انتشار در کاتالوگ، انتقال اثر به خارج از کشور و غیره باید با اجازه‌ی کتبی هنرمند صورت پذیرد. گالری‌دار، همچنین، می‌بایست برای انتشار کاتالوگ اجازه هنرمند و منتقد را داشته باشد.
- اگر گالری‌دار اثر هنرمند را با اجازه هنرمند به اشیاء قابل فروش در فروشگاه‌های هنری (مثل کارت پستال، پوستر و غیره) تبدیل کند، اجازه تحریف و دست بردن در اثر را ندارد و در صورت این اتفاق هنرمند حق شکایت دارد.
- گالری‌دار باید بداند، حتی در صورت خرید اثر هنری از هنرمند، قانون ایران و حتی جهان حقوق معنوی و مادی را متعلق به هنرمند می‌داند، مگر آنکه به صورت کتبی حقوق مادی به خریدار واگذار شده باشد. حقوق معنوی غیر قابل واگذاری است.

ضمیمه

کلیاتی از آنچه در بخش پرسش و پاسخ بدان اشاره شد:

- از آن خودسازی و مسخره کردن (Parody) اثر هنری، در حقوق کپی‌رایت پیش‌بینی شده است، ولی این بدین معنا نیست که خالق اثر اورجینال حق شکایت نداشته باشد. کسی که در اثر دست برده در صورتی از اتهام مبرا می‌شود که ثابت کند دستکاری در اثر، به تغییر معنا، پیام اخلاقی جدید و یا به مسخره کردن انجامیده است.
- به‌طور کلی، گالری‌دار باید برای هرگونه بهره‌برداری مادی اجازه کتبی داشته باشد، باید اشاره کرد که این موضوع شامل فروش اثر چه به صورت خصوصی و چه در حراج‌ها نمی‌شود.
- انتشار بی‌اجازه‌ی تصویر اثر در پلتفرم‌های مجازی، مگر با رزولوشن پایین، ممنوع است.
- در صورت وجود قرارداد انحصاری (Monopoly) با یک هنرمند، گالری‌دار و هنرمند حق اعتراض در مورد نمایش آثار هنرمند توسط شخص دیگر را ندارند.
- در قانون کپی‌رایت ایران، ثبت یک فرم یا تکنیک هنری پیش‌بینی شده است ولی این موضوع الزاماً به متهم شدن افراد متخلف نمی‌انجامد.